

## جمعه گردی های اسماعیل نوری علا

### آنچه در کنگرهء سکولار دموکرات های ایران گذشت

دو روزی است که، از سفر آلمان، به نزد یار و دیارم برگشته ام؛ با کوله باری از تصاویر ذهنی برگرفته از گذراندن دو سه روزی در میان بیش از 150 چهرهء گوناگونی که خود تصمیم گرفته بودند تا، به خرج خود، در برگزاری دومین کنگرهء سکولار دموکرات های ایران، که در نهم و دهم ماه اوت، در سالگرد انقلاب مشروطه، در شهر بوخوم آلمان برگزار می شد شرکت کنند. شرکت کنندگان، از پیش از تشکیل کنگره، از نکاتی چند آگاه بودند که زیر بنای کار کنگره محسوب می شد.

[esmail@nooriala.com](mailto:esmail@nooriala.com)

دو روزی است که، از سفر آلمان، به نزد یار و دیارم برگشته ام؛ با کوله باری از تصاویر ذهنی برگرفته از گذراندن دو سه روزی در میان بیش از 150 چهرهء گوناگونی که خود تصمیم گرفته بودند تا، به خرج خود، در برگزاری دومین کنگرهء سکولار دموکرات های ایران، که در نهم و دهم ماه اوت، در سالگرد انقلاب مشروطه، در شهر بوخوم آلمان برگزار می شد شرکت کنند.

شرکت کنندگان، از پیش از تشکیل کنگره، از نکاتی چند آگاه بودند که زیر بنای کار کنگره محسوب می شد. آنها می دانستند:

- که تصمیم به آمدن به کنگره بر اثر اصرار و خواهش اعضاء کمیته برگزاری نبوده است. متن دعوت متحدالشکلی تهیه شده بود که آن را با نام دریافت کننده و از جانب کمیته و به امضای من برای همه فرستاده و در آن تأکید کرده بودیم که هزینهء سفر و اقامت در هتل شرکت کنندگان با خودشان است.

- با شرکت در این کنگره خود را سکولار دموکرات معرفی می کنند؛ «سکولار» به معنی خواستار جدائی مذهب و مکتب و ایدئولوژی از حکومت و نهادهای دولتی، و «دموکرات» به معنی معتقد به مبتنی بودن حکومت، و قانون اساسی سازنده آن، بر مفاد اعلامیهء جهانی حقوق بشر، ملحقات آن و دیگر متون مصوب سازمان ملل در رابطه با دموکراسی.

- که کنگره دارای «دستور کار» معینی نیست و فقط برای برقرار کردن و جا انداختن سنتی سالیانه برگزار می شود تا هر کس که خود را سکولار دموکرات بداند و میل به دیدار دیگرانی داشته باشد که همچون او خود را سکولار دموکرات می دانند بتواند در این گردهمائی، که هر ساله همزمان و با یاد انقلاب مشروطیت نیز همراه است، شرکت کند؛ و اگرچه برای چهار جلسه ای که در نظر گرفته شده بود، و نیز برای راستا دادن کلی به بحث ها، عناوینی کلی در نظر گرفته شده بود اما قرار این بود که خود جلسهء مسیرش را در میان گفتگوها انتخاب کند.

- که کنگره دارای قطعنامهء پایانی نیز نخواهد بود و در نتیجه نباید انتظار داشته باشند که از دل این گردهمائی سازمان و تشکیلات جدیدی بوجود آید و برای آن اساسنامه ای نوشته شود و انتخاباتی صورت گیرد.

- که کنگره دارای میزبان و صاحب خانه هم نیست و هر که بیايد صاحب خانه محسوب می شود، و تنها امور اجرائی آن را چند تنی داوطلب بر عهده داشته و گروه کاری کوچکی را تشکیل داده اند که مسئولیت اداره آن با آقای حسن اعتمادی است و آقایان جهانگیر لقائی، میرزاآقاعسگری (مانی) و امید پوریوسفی (هر سه تن از شهر بوخوم و اطراف آن)، و نیز من، عضو آن هستیم و در آینده نیز اشخاصی که می اندیشند می توانند در راستای برگزاری کنگره های بعدی مدرسان باشند می توانند به این کمیته بپیوندند. کار این کمیته

انتخاب شهر برگزاری، تهیه سالن، غذا و چای و قهوه حضار، و نیز تهیه وسائل دیداری - شنیداری و برقراری ارتباط با شرکت کنندگان در کنگره است و بس.

بدینسان، ایده «سکولار دموکراسی» تبدیل به چتری مستقل از همه احزاب و گروه ها و شخصیت ها شد و اجازه داد که اندیشه «خود مرکز بینی» در آن راه نیابد.

به هنگام آغاز بکار کنگره شخصیت های زیر برای شرکت در آن نام نویسی کرده بودند:

خانم ها و آقایان بهرام آبار، وحید آبان، جعفر آذرمنگین، فرشید آربین، علیرضا آزادپور، میلاد آقائی، کاوه آهنگری، شهریار آهی، آبتین آینه، فریدون احمدی، مهین ارجمند، فریبا اعتماد (فالک هاوزن)، حسن اعتمادی، کورش اعتمادی، اقبال اقبالی، مهران امیراحمدی، جلال ایجادی، افشین بابا زاده، خسرو باقرپور، حمیدرضا برهانی، ناهید بهمنی، الاهی بقراط، محسن بهزاد کریمی، جوما بورش، نیلوفر بیضائی، ناصر پاک نژاد، مهشید پگاهی، امید پور یوسفی کرمانی، احمد تاج الدینی، حسن جمالپور، ناصر جهانگیری، آرمان چاروستائی، حنیف حیدرنژاد، رضا حسین بر، امجد حسین پناهی، نریمان حیدری، محسن خاتمی (کمال)، جواد خادم، اسماعیل خوئی، سبا خوئی، محسن ذاکری، فریدون رزمجوی، مهدی رضائی - تازیک، محمدرضا روحانی، پرویز زاهد، سهیلا ستاری، علی اصغر سلیمی، ماشاالله سلیمی، بیژن سینا، رضا شاه حسینی، آرشاک شجاعی، حسن شریعتمداری، دارا صالح زاده، سعید ضرابیان، وحید ضرابیان، پرویز ضرغامی، شهرام عباسپور، مراد عزیزی، میرزا آقا عسگری (مانی)، بختیار علیار، کورش فرزین، آریا فجر، عباس قره گزلو، کریم قصیم، ناصر کاخساز، محمد کریمی، عبدالرضا کریمی، حسن کیانزاد، رامین گلبنانگ، دامون گلریز، جهانگیر لقائی، گلمراد مرادی، اصغر مردانی، منوچهر مقصودنیا، سیروس ملکوتی، اسفندیار منفردزاده، عبدالله مهتدی، آرش مهدوی، فرهنگ نازداکی، اسماعیل نوری علا، پرتو نوری علا، احمد وحدانی، رستم وفاداری، ساسان هارون مهدوی، مسعود هارون مهدوی.

همچنین در روز نخست کنگره یاران دیگری نیز به جمع ما پیوستند که چون از قبل ثبت نام نکرده بودند

تهیه فهرست نام شان ممکن نشد.

شخصیت هایی نیز بودند که چون نمی توانستند در بوخوم حضور یابند برای شرکت کنندگان در آن پیام

های کوتاه و بلندی فرستاده بودند. ذکر نام آنان نیز می تواند در شناساندن کیفیت کار کنگره کمک کند:

آقای نعمت آذر، آقای امیرحسین آموئی، آقای دکتر صدرالدین الهی، خانم لادن برومند، آقای دکتر ابوالحسن برومند، آقای یاشار پارسا، آقای رضا پرچی زاده، آقای هادی خرسندی، آقای دکتر مهرداد درویش پور، آقای پرویز صیاد، آقای رضا علامه زاده، خانم ها مریم مودن زاده و رویا عراقی (نمایندگان آقای کاظمینی بروجردی در خارج کشور)، آقای کورش عرفانی، آقای علی لیمونادی، دکتر گلمراد مرادی، ایرج مصداقی، آقای فریدون معزی مقدم، آقای مهدی مفخمی، آقای منوچهر مقصودنیا، آقای مهندس همایون مهمنش، و آقای دکتر علیرضا نوری زاده.

## مراسم افتتاحیه

کنگره در برابر پرچم سه رنگ و شیر و خورشید نشان، با سرود «ای ایران» شروع شد. ابتدا آقای میزآقا عسگری، سرپرست کمیته محلی برگزاری کنگره، به حضار خوش آمد گفت و به یاد جان باختگان راه آزادی و بمناسبت تقارن آغاز بکار کنگره با سالروز کشته شدن زنده یاد فریدون فرخزاد یک دقیقه سکوت اعلام کرد، سپس آقای امید پوریوسفی، مسئول امور فنی کنگره، همکاران خود را معرفی کرد و آنگاه آقای حسن

اعتمادی، مسئول کمیته برگزاری کنگره و دکتر اسماعیل خوئی، رئیس افتخاری کنگره، به حضار خوش آمد گفتند. در پی آن نمایندگان بیست سازمان کوچک و بزرگ سیاسی یک به یک از جانب سازمان متبوع خود سخن گفتند. حق آن است که نام و نشان این نمایندگان را به یادگار بنویسم:

خانم مهین ارجمند از سوی حزب پان ایرانیست ایران، خانم ناهید بهمنی از سوی حزب کومله، کردستان (همراه با قرائت پیام آقای عبدالله مهدی که موفق به آمدن به بوخوم نشده بودند)، خانم آذر ماجدی از سوی سازمان رهائی زن (که بعلت گرفتاری های شخصی به بوخوم نیامدند اما خواستار آن بودند که از طریق «اسکایپ» پیام خود را ارائه دهند که بعلت مشکلات فنی این کار ممکن نشد)، آقای فریدون احمدی از سوی اتحاد برای دموکراسی، آقای کاوه آهنگری از سوی حزب دموکرات کردستان، دکتر رضا حسین بر از سوی جبهه مردم بلوچستان، آقای کورش اعتمادی از سوی گروه رایزنی برای اتحاد، آقای جوما بورش از سوی سازمان دفاع از حقوق ملی خلق ترکمن، خانم پرتو نوری علا از سوی پیوندسرای نویسندگان، شاعران و هنرمندان سکولار دموکرات ایران، آقای علی اصغر سلیمی از سوی دفتر پژوهش های راهبردی برای دموکراسی و حقوق بشر، آقای مهندس مسعود هارون مهدوی از سوی سازمان حقوق بشری «زندگی کن و بگذار زندگی کنند»، آقای پرویز ضرغامی از سوی اتحاد عشایر و اقوام جنوب ایران، آقای دارا صالح زاده از سوی شبکه سکولارهای سبز ایران، دکتر بهرام آبار از سوی حزب سکولار دموکرات ایران، آقایان آرش مهدوی و محمود مرادخانی (ایشان از طریق ویدئوی قبلاً ضبط شده) از سوی انجمن کنشگرایان ایران، آقای محسن بهزاد کریمی از سوی مرکز مطالعات سیاسی و تحقیقات استراتژیک اپوزیسیون، آقای محمد کرمی از سوی سازمان مشروطه خواهان پادشاهی، آقای فرشید آرین از سوی جنبش فعالان حقوق بشر، آقای رامین گلبنگ از سوی سازمان آزادگان نروژ، و اسماعیل نوری علا از سوی جنبش سکولار دموکراسی ایران. مجلس افتتاحیه کنگره صبح شنبه با سخنان آقای ناصر کاخساز درباره زنده یاد دکتر شاپور بختیار به پایان رسید. مدیریت عمومی این جلسه و جلسات دیگر با آقای حسن اعتمادی بود.

ماحصل سخنان این نمایندگان نشان از آن داشت که:

- همگان سکولار دموکراسی و استقرار کنگره سالانه آن را می پذیرفتند.
- همگان برای یافتن گزینه بهینه ای برای حفظ یکپارچگی ایران و تمامیت ارضی این کشور سخن می گفتند.

- همگان رفع تبعیض های گوناگون جنسیتی، قومیتی، مذهبی، زبانی، فرهنگی و مدیریتی را رمز رسیدن به ایرانی آزاد و آباد و مرفه می دانستند.

- همگان حکومت اسلامی مستقر بر ایران را غیر قابل اصلاح می دانستند اما در مورد روش های مبارزه با آن از واژگان و مفاهیم مختلفی استفاده می کردند؛ مثلاً از: انحلال، سرنگونی، فروپاشی، گذار به سکولار دموکراسی، و نظایر آن.

آنچه در مراسم افتتاحیه کاملاً مشهود بود تمایل همه شرکت کنندگان به هماندیشی و همراهی برای یافتن راه حل هائی بود که بتواند دره عمیق اختلافات مابین اپوزیسیون را پر کند.

### سه جلسه گفتگو

در سه جلسه بعدی، که در بعداز ظهر شنبه و صبح و بعد از ظهر یکشنبه به ریاست دکتر حسن کیانزاد، خانم پرتو نوری علا، دکتر رضا حسین بر و آقای کورش اعتمادی برگزار شدند، شرکت کنندگان

متعددی، یا بر حسب گرفتن وقت قبلی و یا پس از سخنان کسانی که از قبل اسم نویسی کرده بودند بروی صحنه آمدند و بر رونق بحث ها افزودند. از میان آنان می توان به این نام ها اشاره کرد:

خانم ها فریبا اعتماد، الهه بقرط، مهشید پگاهی، سبا خوئی، سهیلا ستاری، و آقایان وحید آبان، دکتر شهریار آهی، آبتین آینه، کورش اعتمادی، اقبال اقبالی، مهران امیراحمدی، دکتر جلال ایجادی، ناصر پاک نژاد، احمد تاج الدینی، آرمان چاروستائی، محسن خاتمی (کمال)، جواد خادم، محمدرضا روحانی، رضا شاه حسینی، حسن شریعتمداری، آریا فجر، کریم قصیم، عبدالرضا کریمی، حسن کیانزاد، رامین گلبنگ، جهانگیر لقائی، دکتر گلمراد مرادی، اسفندیار منفردزاده، عبدالله مهتدی، آرش مهدوی، و فرهنگ نازدکی.

آنچه در این گفتگوها مورد اتفاق نظر بود به چند دسته قابل تقسیم است:

1. توافق بر سر اینکه «هدف اصلی مبارزه» همانا سرنگونی یا انحلال و یا گذار از حکومت اسلامی به حکومتی ملی و دموکراتیک است.

2. هیچ یک از روش های گوناگون مبارزه که برای رسیدن به هدف فوق اتخاذ می شوند، و از جمله استراتژی انتخابات آزاد و حمایت از مطالبه محوری در داخل کشور و یا یافتن راه حل هائی برای انحلال حکومت اسلامی، نمی توانند حکم هدف مبارزه را داشته باشند و در واقع در راستای رسیدن به هدف اصلی بکار گرفته می شوند.

3. کوشش در راستای جلوگیری از بازتولید استبداد برای رسیدن به حکومت سکولار دموکراتیک یک ضرورت تاریخی است و لازم است که همگان برای رسیدن به راه حل های عملی در این مورد به همانندیشی بنشینند. نتایج چنین کوششی می تواند راهنمائی برای تهیه کنندگان قانون اساسی آینده باشد.

4. می توان با تعیین اشتراکات و زیر سقف سکولار دموکراسی به گفتگو نشست و این اشتراکات را مقدم بر اختلافات شمرد و با تفاهم و همسخنی به حل اختلافات پرداخت.

5. قدم های عملی در راستای اجرائی کردن این فکر عبارت اند از، الف) جمع آوری همه پیمان نامه ها و منشورها و اعلام مواضع و راهکارهای عرضه شده از جانب شخصیت ها و سازمان ها، ب) تعیین کمیسیونی مرکب از حداکثر نمایندگان سازمان های تهیه کننده آنها، و پ) کوشش برای تبدیل این متون به یک «متن واحد»، که می تواند پیشگفتار پیشنهادیِ قانون اساسی سکولار دموکراتیک آینده باشد و مفاد مشترک و اختلافات موجود را بصورتی روشن مشخص سازد.

6. گشودن راه بر ایجاد ائتلاف ها و همکاری ها بر اساس این «متن واحد» که همه نظرات را در خود دارد و، لذا، از پدید آمدن تفرقه در همان آغاز کار جلوگیری می کند.

7. تماس با سازمان های صادر کننده این متون از طریق کمیته برگزاری کنگره در راستای اجرائی

کردن قدم های فوق و تشویق آنان برای شرکت در «کمیسیون تهیه متن واحد».

8. در کنار این اقدامات می توان دست به ایجاد کمیسیون های مطالعاتی مختلف نیز زد و نتایج این مطالعات را به کنگره های بعدی سکولار دموکرات های ایران عرضه داشت. در این مورد به «اندیشگاه مستقل سکولار دموکراسی» اشاره شد که هم اکنون هیئت امنای آن با شرکت آقایان دکتر اسماعیل خوئی، دکتر

باقر پرهام، دکتر جمشید قرچه داغی، دکتر فرخ زندی و اسماعیل نوری علا تعیین شده و قرار است «اندیشکده» های گوناگون (think-tank) ها یا اطاق های فکر) اختصاصی، همچون اطاق فکر امور زنان، جوانان، کارگران، دانشجویان، امور اقتصادی، زبان و هویت، نهادهای مدنی و غیره نیز آغاز بکار کنند. این فکر بخصوص از جانب خانم های حاضر در جلسه مورد استقبال قرار گرفت.

در شکل گرفتن این نتایج بخصوص خانم‌ها فریبا اعتماد، الابه بقراط، سهیلا ستاری و آقایان دکتر شه‌ریار آهی، اقبال اقبالی، محمدرضا روحانی، مهندس حسن شریعتمداری، عبدالرضا کریمی، جهانگیر لقائی، و اسفندیار منفردزاده نقش اصلی را بازی کردند.

### یک جمع بندی شخصی

در پایان کنگره آقای حسن اعتمادی از من خواست تا برداشت‌های خود از آنچه در کنگره گذشته است را بصورت یک جمع بندی پایانی برای حضار بازگو کنم بدون آنکه جمع بندی من جنبه عمومی یافته و از مرزهای ادراکات شخصی ام فراتر رود.

من نیز در واقع آنچه را که در بالا نوشتم احتمالاً با کلماتی دیگر بیان داشته و بطور کلی همه را در زیر عنوان «جلوگیری از بازتولید استبداد» گرد هم آوردم و توضیح دادم که «استبداد» محصول طبیعی هر جامعه‌اش رشد نکرده، عقب مانده و یا عقب نگاه داشته شده است. همانگونه که سیل و سیلاب محصول طبیعی برف و بوران و تابش آفتاب و شیب و فراز زمین اند. و این انسان است که با بکار بردن تدبیرهایی خاص از خرابکاری‌های سیلاب‌ها می‌کاهد، آنها را شعبه شعبه کرده و ضعیف می‌سازد، در برابرشان سد می‌زند، سیلاب‌ها را بوجود می‌آورد و بطور کلی سیل را در کنترل خود در می‌آورد.

استبداد نیز چنین است و تنها انسان متمدن و مدرن است که می‌تواند از بازتولید آن جلوگیری کند. راه این جلوگیری هم دیری است که از جانب بشر کشف شده است: جلوگیری از تمرکز قدرت از طریق الف) ایجاد قوای مستقل سه‌گانه [و حتی، بقول اسفندیار منفردزاده، چهارگانه، یعنی استقلال نهاد آموزش و پرورش]، ب) مدت دار کردن دوران زمامداری مصادر قدرت و اداره مملکت، پ) انتخابی کردن همه مقامات اصلی، ت) پاسخگو کردن آنها، ث) «پخش قدرت» از طریق ایجاد تقسیمات کشوری منطقی و عملی و آمایشی، و خودگردان کردن این مناطق از طریق تقسیم وظایف بین حکومت مرکزی و حکومت‌های منطقه ای. ج) و...

و اینها همه موادی هستند که اگر قانون اساسی آینده بر بنیاد آنها نوشته شود، و ضمانت‌های اجرائی لازم برای آنها مهیا گردد، می‌توان امیدوار بود که ایرانی سکولار دموکرات و بی تبعیض قابل شکل گرفتن و دسترسی است.

آنگاه، با آرزوی دیدار دوستان در کنگره آینده (چه در خارج و چه در تهران!)، به آنان چنین توصیه کردم که از این پس وقتی به عکس‌های خمینی و خامنه‌ای و دیگر ویران‌کنندگان ایران بر می‌خوریم می‌توانیم با خونسردی تمام این ابیات شاملوی شاعر را بازگو کنیم که: «ابلها مردا، عدوی تو نیستم، انکار تو ام!»

با ارسال ای - میل خود به این آدرس می‌توانید مقالات نوری علا را هر هفته مستقیماً دریافت کنید:

[NewSecularism@gmail.com](mailto:NewSecularism@gmail.com)

مجموعه آثار نوری علا را در این پیوند بیابید:

<http://www.puyesharaan.com/NoorialaWorks.htm>